



مجلس دوم

گنج های  
قدیمی



\*گنج دوم\*

گره گشایی از کار دیگران

ستاد امر به معروف و نهی از منکر مازندران  
معاونت تبلیغ حوزه علمیه مازندران

## فهرست

- ۳ ..... گنج دوم : گره گشایی از کار دیگران
- ۳ ..... ایجاد انگیزه با داستان
- ۴ ..... داستان قطع طواف
- ۶ ..... آثار گره گشایی از دیگران
- ۹ ..... گره گشایی حضرت زهرا سلام الله علیها
- ۱۳ ..... انواع گره گشایی
- ۱۳ ..... ۱-گره گشایی از نیازهای اولیه محرومان
- ۱۳ ..... نان و آب
- ۱۴ ..... لباس و پوشاک
- ۱۴ ..... مسکن
- ۱۵ ..... ازدواج
- ۱۶ ..... ۲-گره گشایی با ارائه خدمات عام المنفعه
- ۱۷ ..... ۳-گره گشایی از مشکلات اقتصادی
- ۱۸ ..... معامله با خدا
- ۲۱ ..... ۴-گره گشایی با خرج کردن آبرو
- ۲۳ ..... ۵-گره گشایی معنوی



# گنج دوم : گره گشایی از کار دیگران

بسم الله الرحمن الرحيم

## ایجاد انگیزه با داستان

معمولا دهه اول محرم وقتی مداحان می‌خواهند روضه جناب "حر" را بخوانند برای ورود به روضه، یا داستان توبه "رسول ترك" را تعریف می‌کنند یا داستان ادب "طیب حاج رضایی" را در حشر و نشر با سادات.

روزی طیب این حر انقلاب دید صاحب‌خانه‌ای، اسباب و اثاثیه مستأجر خود را که جزو سادات بود از خانه بیرون انداخته و عذر مستأجر را برای ندادن کرایه خانه خواسته است. طیب که این صحنه را می‌بیند، جلو می‌رود و لوطی‌گری می‌کند و خانه‌ای را که برای خودش خریده بود تا در آن زندگی کند را به سید مستأجر هدیه می‌دهد!

---

۱- خبرگزاری فارس



## داستان قطع طواف

ابن عباس می گوید: همراه با امام حسن علیه السلام در مسجد الحرام بودم، آن بزرگوار معتکف بود و در همان حال دور خانه خدا طواف می کرد، یکی از شیعیانش نزد وی آمد و گفت: فلانی از من طلبکار است، اگر ممکن است شما آن را بپردازید. حضرت فرمود: سوگند به خدای این خانه امروز چیزی نزد من نیست، وی گفت اگر مقدور است از او مهلت بخواهید، زیرا مرا به زندان تهدید می کند.

ابن عباس می گوید: امام طواف را قطع کرد و همراه وی حرکت کرد. گفتم: فرزند پیامبر! آیا فراموش کرده ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: آری می دانم ولی من از پدرم شنیدم که می فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که: هرکس حاجت برادر مؤمنش را برآورد، بسان کسی است که نه هزار سال خدای را عبادت کرده است، عبادتی که روزها در حال روزه باشد و شبها در حال نماز.

---

<sup>۱</sup> - مسند الامام المجتبی، ص ۶۷۲.

در مورد گنج های قدیمی با همدیگر صحبت کردیم و قرار شد هر شب یکی از گنج های قدیمی را بررسی کنیم تا بتوانیم در زندگی خودمان پیاده کنیم گنج های قدیمی که در بین پدران، مادران، پدربزرگان، مادر بزرگان و قدیمی های ما با بود خیلی گنجهای پر قیمتی بود

بعضی از آنها متاسفانه امروز یا کمرنگ و یا بی رنگ شده است در این ماه مبارک رمضان که انسان می تواند بهترین ها را برای خودش انتخاب کند و سرمایه گذاری کند چه بهتر که به سراغ گنج های قدیمی خودمان برویم تا بتوانیم از آن گنج ها استفاده کنیم. گنج های قدیمی که کارخانه انسان سازی است و انسان می تواند با این سرمایه های معنوی به بالاترین درجه انسانیت برسد در جلسه دوم می خواهیم در مورد گنج دوم با همدیگر صحبت کنیم و آن گره گشایی از کار دیگران است یکی از گنج های قدیمی ما همین گره گشایی از کار دیگران است که قدیمی های ما و بزرگان ما، ریش سفیدان ما یکی از کارهای خوبی که می کردند این بود که اگر می دیدند کسی مشکلی داره رنجی داره، اندوهی داره، گره ای در زندگی او افتاده است، همه



جمع می شدند تا مشکل او را حل کنند و یک جورى مشکل او مشکل همه بود رنج او رنج همه بود و همت می کردند تا گره گشایی کنند.

## آثار گره گشایی از دیگران

برآوردن حاجت مؤمن، امر بسیار مهمی است، به طوری که ائمه بزرگوار علیهم السلام گاهی برای ادای حاجت يك نیازمند حاضر به قطع طواف بودند.

امام صادق علیه السلام برای قضای حاجت يك مؤمن، به ابان بن تغلب دستور قطع طواف داد و فرمود:

ثواب قضای حاجت مؤمن از ثواب هفتاد طواف برتر است

راوی می گوید:

سالی برای حج آماده شدم، خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: قصد کجا داری؟ گفتم: حج. فرمود: می دانی برای حاجی چه اندازه از ثواب است؟

عرضه داشتم: نمی دانم برایم بگو. فرمود: هرگاه عبد هفت مرتبه خانه را طواف کند و دو رکعت نماز به جای آورد و صفا و مروه را سعی کند، خداوند بزرگ شش هزار حسنه به او عنایت



می کند و شش هزار سیئه از او محو می نماید و شش هزار درجه به او می افزاید و شش هزار حاجت از او روا می کند، آن هم حاجت دنیا و آخرت. عرض کردم: فدایت شوم، خیلی ثواب است. فرمود: به ثواب بیشتر از این تو را خبر دهم؟ عرض کردم: آری. فرمود: قضای حاجت انسان مؤمنی بالاتر از حج و حج و حج و خلاصه تا ده برابر حج است<sup>۱</sup>

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا سَرَّنِي  
وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ<sup>۲</sup>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس مؤمنی را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده و هرکه مرا خوشحال کند، خدا را خوشحال کرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس بر مؤمنی سرور وارد کند (کنایه از این که او را از گرفتاری نجات دهد، قرضش را ادا کند، به عیادتش برود،

---

<sup>۱</sup> - الأمامی، صدوق: ۴۹۳، مجلس فی ذکر فضائل الحج، حدیث ۱۱؛ بحار الأنوار: ۳ / ۹۶، باب ۲، حدیث ۱.

<sup>۲</sup> - الکافی: ۲ / ۱۸۸، باب ادخال السرور علی المؤمنین، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۸۷، باب ۲۰، حدیث ۴.



حاجتش را روا نماید(، خداوند، عمل او را مجسم کند تا وقت مرگش به او بگوید: ای دوست خدا! بشارت باد تو را به کرامت و رضوان الهی. این عمل مجسم با او هست تا داخل قبر شود، باز همان بشارت را بدهد چون به محشر درآید، باز هم همان بشارت را بدهد و در هر هولی با او هست و همان بشارت را می دهد؛ مؤمن از این چهره بشارت دهنده می پرسد: کیستی؟

پاسخ می دهد: سروری هستم که برای فلان کس آوردی<sup>۱</sup>

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْ خَالَ السَّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ: إِشْبَاعُ جُوعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ<sup>۲</sup>

از امام صادق علیه السلام است: محبوب ترین عمل نزد حضرت حق وارد کردن خوشحالی به مؤمنی است، سیر کردن گرسنگی اش، رفع غصه و رنجش، قضای دین و قرضش.

---

<sup>۱</sup> - الکافی: ۲ / ۱۹۱، باب ادخال السرور علی المؤمنین، حدیث ۱۲؛ وسائل الشیعة: ۱۶ / ۳۵۱، باب ۲۴، حدیث ۲۱۷۴۱.

<sup>۲</sup> - الکافی: ۲ / ۱۹۲، باب ادخال السرور علی المؤمنین، حدیث ۱۶؛ بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۹۷، باب ۲۰، حدیث ۲۹.





انبیاء و اولیاء شامخ الهی و خلاصه تربیت شدگان مکتب الهی جهت حل مشکل مردم و قضای حاجت مؤمنان و رفع سختی و رنج از زندگی دیگران سر از پا نمی شناختند.

### گره گشایی حضرت زهرا سلام الله علیها

«عماد الدین طبری» در کتاب «بشارة المصطفی» آورده است که «جابر بن عبد الله انصاری» گفت: يك روز پس از نماز عصر، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با صحابه نشسته بودند، در این موقع پیرمردی با لباس های کهنه در کمال ضعف و سستی که معلوم می شد راه دوری را با گرسنگی پیموده، وارد شد. پیرمرد [عرض کرد: من مردی پریشان حالم، مرا از گرسنگی و برهنگی و گرفتاری نجات ده! رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اکنون چیزی ندارم؛ ولی تو را به کسی راهنمایی می کنم که این حاجت را بر می آورد و راهنمایی کننده به نیکی همانند کسی است که آن را انجام داده است؛ برو به در خانه کسی که محبوب خدا و رسول است و او نیز دوستدار آنهاست. سپس به بلال دستور داد پیرمرد را به در خانه فاطمه (علیها السلام) راهنمایی کند. وقتی که آن مرد به در

خانه [حضرت] علی(علیه السلام) رسید، گفت: «السّلام علیکم  
یا اهل بیت النّبوه»؛ (سلام بر شما ای خاندان نبوت). او را جواب  
دادند و پرسیدند تو کیستی؟ گفت: مرد عربی هستم که به  
خدمت پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) آمدم و تقاضای  
کمک نمودم، ایشان مرا به در خانه شما راهنمایی فرموده.  
آن روز، سومین روزی بود که خانواده [حضرت] علی(علیه  
السلام) به گرسنگی گذرانده بودند و پیغمبر اسلام(صلی الله  
علیه و آله و سلم) از این جریان اطلاع داشت. دختر پیغمبر  
خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) چون چیزی نمی یافت، همان  
پوست گوسفندی که فرزندانش حسن و حسین(علیهم  
السلام) را بر روی آن می خوابانید، به مرد عرب داد و فرمود امید  
است خداوند تو را گشایشی عنایت نماید. پیرمرد گفت: دختر  
پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)! من از گرسنگی بی  
تابم، شما پوست گوسفند به من می دهی!  
این سخن را که فاطمه شنید، گردنبندی را که دختر  
«عبدالمطلب» به او هدیه داده بود، همان را به مرد عرب داد؛  
پیرمرد گردنبند را گرفت و به مسجد آورد و پیغمبر خدا(صلی الله

علیه و آله و سلم) را در میان اصحاب نشسته دید، عرض کرد: یا رسول الله! این گردنبند را دخترت به من داده و فرموده است آن را بفروشم شاید خداوند گشایشی دهد! حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گریان شد و فرمود: چگونه خدا گشایش نمی دهد با این که بهترین زنان اولین و آخرین، گلوبند خود را به تو داده است! عمّار یاسر عرض کرد اجازه می فرمایی این گردن بند را بخرم؟ فرمود خریدار این گردنبند را خداوند عذاب نمی کند. عمّار به عرب گفت: به چند می فروشی؟ پیرمرد گفت: به سیر شدن از غذایی و یک بُرد یمانی جهت پوشاک و دیناری که صرف مخارج بازگشت خود نمایم. عمّار گفت: من به بهای این گردن بند، دویست درهم می دهم و تو را از نان و گوشت سیر کرده و بُردی هم برای پوشاکت به تو می دهم و با شتر خود، تو را به خانواده ات می رسانم. عمّار از غنائم خیبر هنوز مقداری داشت، پیرمرد را به خانه برد و به وعده خویش وفا کرد. عرب، دو مرتبه خدمت حضرت بازگشت؛ آن جناب فرمود: لباس گرفتی و سیر شدی؟ عرض کرد: بلی! بی نیاز هم شدم. آنگاه حضرت مقداری از فضائل [حضرت]

زهرا(علیها السلام) را بیان کردند تا آن جا که فرمودند: دخترم فاطمه(علیها السلام) را که میان قبر می گذرانند، از او می پرسند خدایت کیست؟ می گوید: «اللَّهُ رَبِّي». «سؤال می کنند پیغمبرت کیست؟ جواب می دهد: «پدرم». می پرسند امام و ولی تو کیست؟ می گوید: «هَذَا الْقَائِمُ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِي»؛ همین کسی که کنار قبرم ایستاده [یعنی علی(علیه السلام)]. «عمار کردن بند را خوشبو کرد و با يك بُردِ یمانی به غلامی که «سهم» نام داشت [داد و به او] گفت: [این گردن بند را] خدمت پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم (ببر، تو را هم به ایشان بخشیدم! حضرت او را پیش فاطمه(علیها السلام) فرستادند. دختر پیغمبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) گردن بند را گرفت و غلام را آزاد کرد. غلام خندید؛ فاطمه(علیها السلام) از سبب خنده اش سؤال کرد؛ گفت از برکت این گردن بند می خندم که گرسنه ای را سیر و مستمندی را بی نیاز و برهنه ای را با لباس و بنده ای را آزاد کرد و [در آخر] به صاحب اصلی خود بازگشت.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>-بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، طبری آملی، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۳ ق، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۳۷. /اسلام و کمکهای مردمی، مکارم

### ۱- گره گشایی از نیازهای اولیه محرومان

گره گشایی از مشکلات مربوط به نیازهای اولیه محرومان و

نیازمندان از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج

### نان و آب

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده

است: بهترین اعمال در پیشگاه خدا، خنک نمودن جگرهای

تشنه آتشین و داغ و سیر کردن شکم های گرسنه است. به

خدایی که جان محمد در دست قدرت اوست ایمان نیاورده است

به من بنده ای که سیر بخوابد و برادر مؤمن یا همسایه اش

گرسنه باشد<sup>۱</sup>

---

شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم، فرازمند، جواهر السلطان، نسل جوان، قم، ۱۳۸۳ ش، چاپ اول، ص ۱۷۵.

<sup>۲</sup> - مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَادُ الْأَفِيدَةِ الْحَارَّةِ وَ إِشْبَاعُ الْأَكْبَادِ الْجَائِعَةِ وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بَيْدَهُ لَا يُؤْمِنُ بِى عَبْدٌ يَبِيتُ شَبْعَانَ وَ أَخُوهُ أَوْ قَالَ جَارُهُ الْمُسْلِمُ جَائِعًا، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۴۶.

در خصوص گره گشایی از مشکل پوشاک نیز پیشوای ششم،

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

هر کس به مؤمن برهنه ای لباس بپوشاند، خداوند از

پیراهن ابریشم بافت بهشت (استبرق) بر او بپوشاند و آن کس

که مؤمن غیر نیازمندی را لباس بپوشاند، پیوسته در حفاظت

الهی است تا زمانی که نخ‌ی از آن لباس باقی باشد<sup>۱</sup>

### مسکن

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

اگر کسی خانه ای دارد [که به آن نیاز ندارد] و مؤمن دیگری را

که خانه ای ندارد، از سکونت در آن باز دارد، خداوند عزوجل می

فرماید: ای فرشتگان من! آیا بنده من نسبت به سکونت بنده ام

در خانه دنیایی اش بخل ورزید. به عزت و جلالم که هرگز در

بهشت هایم سکونت نخواهد گزید<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۵.

<sup>۲</sup>- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۹.

در امر ازدواج نیز خداوند در قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که برای افراد بی‌همسر، همسر انتخاب کنند و اگر تهی دست باشند، خداوند از فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌کند<sup>۱</sup>

فراهم کردن اسباب ازدواج به دو صورت ممکن است: یکی این که انسان برای به هم رسیدن دختران و پسران میانجی‌گری کند و در خواستگاری و معرفی آنها نقشی فعال داشته باشد. در روایت‌های نورانی اهل بیت (علیهم السلام) آمده:

«برترین شفاعت یا میانجی‌گری»، میانجی‌گری برای ازدواج

دانسته شده است<sup>۲</sup>

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود:

هر کس نیازی از نیازهای برادر مؤمنش را برآورد...، خداوند [رسیدن به] صد حاجت او را مقدر می‌کند که یکی از آنها بهشت است. کسی که مؤمنی را به همسری درآورد تا همدم او و مایه

---

<sup>۱</sup>-نور(۲۴)، آیه ۳۲.

<sup>۲</sup>-میزان الحکمه، ج ۹۴۶۷.

آرامشش باشد، خداوند در قبرش کسی را که از همه اهلش نزد او محبوب تر باشد، همدم او می گرداند<sup>۱</sup>

## ۲- گره گشایی با ارائه خدمات عام المنفعه

از مصداق های گره گشایی، انجام خدمات عمومی مانند آتش نشانی، پاکیزگی شهرها، ساخت سد، پل، بیمارستان، ساخت زائرسراها و حفر قنات های آب است.

امام سجاد (علیه السلام) از پدر بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل می کند:

هر کس طغیان آب یا آتشی را از گروهی از مسلمانان باز دارد، بهشت بر او واجب می شود<sup>۲</sup>

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده است:

بنده ای وارد بهشت شد، به سبب این که خاری از سر راه مسلمانان برداشت<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۴.

<sup>۲</sup> - کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

<sup>۳</sup> - منتخب میزان الحکمه، ج ۴۱۹۲.



هر کس بر سر جاده ای، ساختمانی بسازد که رهگذران به آن پناه برند، خداوند در روز قیامت، او را در حالی که بر دُرّ ناب ایستاده و رویش برای اهل بهشت می درخشد، برانگیزاند<sup>۱</sup> با این دید، کارمندان مراکزی مثل شهرداری، آتش نشانی، سازمان آب و اداره برق که به مردم خدمات عمومی می رسانند و گره از کار مردم می گشایند، اگر به انگیزه خدایی و خدمت به مردم کار کنند، نهادهایی مقدس شمرده می شوند. همچنین افراد نیکوکاری که مسجدهای بین راهی و زائرسراها را می سازند، از دیدگاه اسلام، جایگاه شایسته ای نزد خداوند بزرگ دارند.

### ۳- گره گشایی از مشکلات اقتصادی

یکی از گره گشایی ها مربوط به گره گشایی از مشکلات اقتصادی دیگران می شود به عنوان نمونه یکی از سنّت های نیکوی اسلامی، سنّت قرض دادن به یکدیگر است. در برخی

---

<sup>۱</sup>- همان، ح ۴۱۹۳.

روایت های اسلامی، قرض برتر از صدقه معرفی شده؛ یعنی ثواب صدقه، ده برابر و ثواب قرض، هجده برابر است<sup>۱</sup>

## معامله با خدا

آیت الله مجتهدی تهرانی نقل کرده است که آیه الله حاج میرزا علی مشکینی فرمودند: در ایامی که تحصیل می کردم؛ یک روز ۵ ریال بیشتر پول نداشتم. روزی در خیابان راه می رفتم یکی از طلاب به من رسید و گفت: ۵ ریال داری به من قرض بدهی؟ با خود گفتم: اگر این پول را به او بدهم خود بی پول می مانم. ولی با خود فکر کردم که کار این بنده خدا را راه می اندازم؛ خداوند کریم است. پول را به او دادم. چند قدمی که رفتم؛ یکی از همشهری های من، از اهالی مشکین شهر به بنده رسید؛ با هم مصافحه کردیم. موقع خداحافظی پولی در دست من گذاشت و رفت. چون نگاه کردم؛ دیدم ۵ تومان است.

باز یکی از طلاب به من رسید و از من ۵ تومان قرض خواست. این دفعه نیز گفتم خدا کریم است. اکنون که این آقا معطل

---

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۹۴.

است؛ کار او را راه بیندازم. پول را به او دادم. چون مقداری جلوتر رفتم؛ یکی دیگر از همشهری های خود را دیدم. پس از مصافحه و احوالپرسی موقع خدا حافظی، پولی در دست من گذاشت و رفت. چند قدم جلوتر رفتم نگاه کردم دیدم ۵۰ تومان است.

ناگاه یاد این آیه شریفه افتادم که «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام، آیه ۱۶۰) یعنی هر کس عمل نیکی انجام دهد ما ده برابر به او پاداش می دهیم. دیدم بار اول ۵ ریال داشتم. چون به یک نیازمندی قرض دادم؛ ۵۰ ریال خدای کریم رساند و چون ۵۰ ریال را قرض دادم؛ خداوند کریم در عوض ۵۰ تومان یعنی درست ده برابر رسانید.

ایشان فرمودند هر چه منتظر شدم و دعا کردم که کسی پیدا شود این ۵۰ تومان را قرض بگیرد بلکه ۵۰۰ تومان شود دعایم مستجاب نشد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - مردان علم در میدان عمل، جلد ۶، اثر سید نعمت الله حسینی،

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره کسانی که از

قرض دادن وسایل زندگی خودداری می کنند، می فرماید:

هر کس برادر مسلمانش به او نیاز داشته باشد و او با وجود

توانایی، آن را انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می

گرداند<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مصداق های مهم گشایی، در امور اقتصادی

پرداخت بدهی دیگران است.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

محبوب ترین کارها نزد خداوند، شادمان کردن مؤمن با سیر

کردن یا رفع گرفتاری یا پرداخت بدهی او است<sup>۲</sup>

از موارد دیگری که ائمه (علیهم السلام) به آن سفارش کرده

اند، «آسان گیری بر بدهکار» است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

ای مردم! [این مطلب مهم را] حاضران به غایبان اطلاع

دهند. آگاه باشید که هرکس به شخص نداری مهلت دهد، بر

---

<sup>۱</sup>- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۸۳.

<sup>۲</sup>- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۷.



خداوند است که تا زمانی که طلبش را بگیرد، برای هر روز مهلت دادن، ثواب صدقه به قدر مالش [که در دست بدهکار مانده است]، عطا کند<sup>۱</sup>

## ۴-گره گشایی با خرج کردن آبرو

یکی دیگر از گره گشایی ها، گره گشایی هایی است که از طریق خرج کردن آبرو و استفاده صحیح از مقام و موقعیت اجتماعی حاصل می شود.

""بذل جاه""، عنوانی فراگیر است که در روایت ها و کتاب های اخلاق به چشم می خورد. اگر کسی که موقعیتی اجتماعی، مقام و منصب، آبرو و مقبولیت ویژه ای داشته باشد و از این آبرو و موقعیت خود برای گره گشایی و کمک به دیگران و میانجی گری در بن بست ها مایه بگذارد، به این کارش بذل جاه می گویند.

از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است:

هیچ مؤمنی نیست که برای برادر مؤمنش بذل جاه کند، مگر این که خداوند، روی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت،

---

<sup>۱</sup> -جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۶.

غبار و ذلت، چهره اش را نپوشاند و هر مؤمنی که از بذل جاه برای برادرش بخل ورزد- در حالی که آبرومندتر از اوست- در دنیا و آخرت خواری و ذلت به او می رسد و در روز قیامت، شعله های آتش چهره اش را می سوزاند، چه [در نهایت] از آمرزیده شدگان باشد و چه از عذاب شوندگان<sup>۱</sup>

پس حتی اگر آن شخص، با ایمان و اهل نجات باشد، باز باید عذاب این گناه خود؛ یعنی کوتاهی در حق مؤمن را بچشد و آن گاه روانه بهشت شود.

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «برترین صدقه، صدقه زبان است». پرسیدند: ای رسول خدا! صدقه زبان چیست؟ فرمود: «میانجی گری است که به سبب آن اسیری را آزاد کنی و از ریخته شدن خونی جلوگیری کنی و امر پسندیده ای را به سوی برادرت بکشانی و امر ناخوشایند را از او دور کنی»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>-بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۷.

<sup>۲</sup>-همان، ج ۷۳، ص ۴۴.

بنابراین، کسانی که مناصب اجتماعی دارند و آنها که از موقعیت و آبروی اجتماعی ویژه ای برخوردارند، موظفند از این موقعیت خود برای دست گیری از نیازمندان و دفاع از ستم دیدگان استفاده کنند.

## ۵-گره گشایی معنوی

گاهی برخی از انسانها مشکلات مادی ندارند بلکه دچار مشکلات روحی هستند. شما می توانید با صحبت کردن و دادن راهکارهای دینی و همچنین آشنایی دادن آنها با کارشناسان دینی و مشاوران اسلامی از مشکلات آنها گره گشایی کنید. توسل کردن به ائمه و دعا کردن برای حل و رفع مشکلات دیگران گره گشایی معنوی محسوب می شود.

---

<sup>۱</sup> -پرسشها و پاسخهای دانشجویی؛ دفتر: ۵۹ (آداب معاشرت دانشجویی)، ص: ۲۱۱/ پایگاه حوزه نت